

حشمت‌ا... فلاحت پیشه مطرح کرد

جنگ آینده قابل پیشگیری است

حضور لاریجانی در شورای عالی امنیت حای پیام برای غرب است

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: اخباری در خصوص احتمال انتصاب آقای لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت منتشر شده است. معتقدم این موضوع را می‌توان اصلاح یک اشتباه پرهزینه در سامانه مدیریت های سیاسی کشور به حساب آورد. متأسفانه در طول سالیان اخیر، برخی مناصب سیاسی، برای نظامیان به شدت جذابیت پیدا کرد و لذا می‌بینیم که عملاً در این مناصب سیاسی، افرادی را داریم که اتفاقاً در عرصه نظامی به شدت به وجودشان نیاز داشتیم. حشمت‌ا... فلاحت پیشه گفت: از یکسو سبایسون از حضور در این عرصه‌ها محروم ماندند و از سوی دیگر متأسفانه در بخش‌هایی که نیازمند یک زبان سیاسی بودیم، خواه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی عملاً خلأ مواجه شدیم. حتی وزیر امور خارجه دولت آقای پزشکیان برای اینکه رای اعتماد مجلس را کسب کند، سوابق نظامی خود را در مجلس مطرح کرد و اتفاقاً خارج نشین‌هایی که به دنبال بهانه برای به بن بست کشیدن مذاکرات بودند، از همین موضوع استفاده می‌کردند و می‌گفتند در ایران فقط زبان نظامی وجود دارد. تا بناک نوشت: وی افزود: یکی از خلأهایی که باعث شد ایران برخی از گزینه‌های دیپلماسی را از دست بدهد این بود که در فضای قبل از جنگ، عمل‌شورای عالی امنیت ملی، نقشی در دیپلماسی ایفا نکرد. متأسفانه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، فاقد تحلیل سیاسی نسبت به تحولات و تهدیدات موجود بود. در چنین شرایطی معتقدم حضور آقای لاریجانی، که بیشتر سبقه سیاسی دارند بسیار مهم است. پیامداول این موضوع، ارسال پیام برای طرفین غربی مبنی بر این است که ایران موضوع امنیت ملی خود را در قالب دیپلماسی می‌بیند. ضمن اینکه به‌طور طبیعی و به عنوان یک نگاه واقع‌گرایانه، یکی از «کارویژه‌های» شورای عالی امنیت ملی، همین است چراکه هنوز احتمال وقوع جنگ جدی است. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم عنوان کرد: من پیشتر اشاره کرده‌ام که هنوز واقعیت میدانی نشان می‌دهد ۹۰ درصد امکان جنگ وجود دارد، چون طرف اصلی ایران یعنی رژیم صهیونیستی، چیزی بجز جنگ نمی‌بیند. در این مسیر، اگر سازوکارهای دیپلماتیک تقویت شوند، باعث می‌شود درصد دیپلماسی افزایش پیدا کند، من این انتصاب را نیز در راستای کاهش تنش از سوی ایرانیان می‌بینم. آقای لاریجانی، حدود دو هفته پیش در یک اجتماع، این موضوع را مطرح کردند که اگر نظام، مذاکره را انتخاب کند، باید مورد حمایت قرار گیرد. درواقع این سخن پیش از انتشار اخبار در خصوص احتمال انتصاب خود در شورای عالی امنیت، سعی کرد پیام مذاکره را ارسال کند. وی افزود: هم جنگ گذشته قابل پیشگیری بود و هم جنگ آینده قابل پیشگیری است. بنابراین: دیپلمات‌ها، معماران پس مذاکره محسوب می‌شوند. آنها موظفند منافع ملی طرفین، اعم از دوست و دشمن را دیده و بر همان اساس میز مذاکره را بچینند. اگر تقابل جنگ و دیپلماسی وجود داشته باشد در شرایط امروز، منافع آمریکا به ایران در قبال دیپلماسی نزدیک‌تر است تا اسرائیل، چراکه نتانیاهو، چیزی بجز جنگ در طالع استراتژیک صهیونیست‌ها تأمین نمی‌کند. تنها طالع نحسی که نتانیاهو برای صهیونیست‌ها ایجاد کرده «جنگ» است. این چیزی است که اکنون باعث بسیاری از افسردگی‌های اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی نیز شده است. اما در سمت دیگر، هم ایران و هم ایالات متحده به رغم همه دشمنی‌هایی که دارند، در شرایط کنونی به ثبات در منطقه علاقه مندند.

◀ **منافع نتانیاهو در جنگ**

یک تحلیلگر ارشد سیاست خارجی در ادامه گفت: ترامپ می‌داند کمتر از دو و نیم سال از دوران طلایی دولت او باقی مانده است. بعد از این مدت، ایالات متحده وارد عرصه رقابت‌های ریاست جمهوری خواهد شد و حتی در این بین، احتمال اینکه وی اکثریت رادر کنگره و مجلس نمایندگان از دست بدهد وجود دارد. در چنین شرایطی، ترامپ فرصت کمی دارد که قرارداد ۴ ترلیون دلاری با کشورهای منطقه را به ثبات برساند. هم شرکت‌های خصوصی ایالات متحده و هم بیمه‌ها درگیر مشکل زامنی در منطقه هستند. ایران نیز به دنبال ثبات است اما نتانیاهو به حدی به دنبال جنگ است که حتی مخالفانش در اسرائیل، سیاست‌های او را، سیاست‌هایی جدا از منافع سرزمین‌های اشغالی می‌دانند. ترامپ هم اعلام کرده که نتانیاهو به خاطر منافع سیاسی، جنگ را طولانی‌تر کرده‌است. وی افزود: با وجود همه این‌ها، امکان رسیدن ایران و آمریکا به میز مذاکره وجود دارد. تجربه گذشته نشان داد تا بوهایی مثل مذاکره نکردن، مذاکره غیرمستقیم، مذاکره با ائمه‌اطهار و امتالهم تابوهایی شکلی و صورتی بود که آثار ویرانگری برای منافع ملی ایران داشت. اگر از ابتدا، هیات‌های ایرانی و آمریکایی به شکل مستقیم مذاکره می‌کردند امکان توافق و پرهیز از جنگ وجود داشت. تجربه امروز کشورهای اروپایی و حتی چین و روسیه نشان می‌دهد هر یک به دنبال منافع خود بوده‌اند.

◀ **خبر**

عزت‌ا... یوسفیان ملا:

سیاسیون عزت و آبروی کشور را در اولویت قرار دهند

یک نماینده ادوار مجلس اظهار کرد: قوانین باید بخش وسیعی از جامعه را در بر گرفته و با جامع و مانع بودن، مشکلات عموم جامعه را حل کنند. همچنین حفظ اتحاد ملی وظیفه یکایک ما است که نیازمند تصویب قانونی جامع است؛ چراکه مانع از خلات، ایجاد اختلال و عدم انسجام ملی خواهد شد. لذا بازنگری در قوانین موضوع دیگری است که باید در راستای منویات رهبری مدنظر قرار داد. عزت‌ا... یوسفیان ملا تصریح کرد: باتوجه به مشکلات عدیده اقتصادی، شتاب برای پیشرفت دانش و فناوری در تمامی بخش‌ها وظیفه نخبگان علمی است. البته لازم‌ان هم‌راهی حاکمیت بانخبگان و بخش خصوصی و باز گذاشتن مسیر برای آن‌ها است؛ چراکه این مهم لازمه پیشرفت دانش و فناوری در کشور است. وی افزود: سیاستون و افراد صاحب‌تریون نیز باید در گفته‌های خود حفظ عزت و آبروی کشور و ملت را اولویت قرار دهند چرا که دیدگاه حزبی و جناحی منجر خدشه‌دار شدن عزت و آبروی کشور می‌شود.

ابراهیم فیاض در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

شاهد گسترش آگاهی عمومی هستیم



جنگ ایران و اسرائیل یک جنگ تمدنی است

موساد جنگ با ایران راه‌دایت می‌کند نه ارتش اسرائیل

تمدنی است. «فیاض همچنین به غلبه علوم تجربی بر علوم انسانی در ایران نقد وارد می‌کند و آن را عامل اصلی عقب ماندگی ایران می‌داند و عنوان می‌کند: «در ایران سیستم آموزشی و دانشگاهی عقب مانده است و به همین دلیل همه چیز به صورت تقلیلی آغاز می‌شود. به عنوان مثال تقلیل آموزش و پرورش و دانشگاه به علوم تجربی. در واقع در کشور ما که عقب مانده است علوم فنی و تجربی بر علوم انسانی غلبه پیدا کرده است. در چنین شرایطی به دلیل اینکه موشک‌های پیشرفته در اختیار دارند اما راهبرد و استراتژی ندارند شکست می‌خورید و غافلگیر و شوکه می‌شوید. در چنین شرایطی است که فرمانده بزرگ نیروهای مسلح کشور در منزل خود ترور می‌شود. این اتفاق درباره دیگر فرماندهان ما نیز رخ داد. دلیل آن نیز این است که علوم انسانی باید این مسائل راهبردی را پیش‌بینی کند و نه علوم تجربی و فنی.» در ادامه حاصل گفت‌وگوی «آرمان ملی» با دکتر فیاض را می‌خوانید.

این یک ضرورت است و در شرایط کنونی نیز که گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر احتمال وقوع دوباره جنگ وجود دارد شاهد تحولات و تحرکات جدیدی در کشور هستیم که می‌تواند به رشد صنعتی و تکنولوژی منجر شود. به صورت کلی جنگ با تمدن و تمدن با جنگ همراه است. جنگ و تمدن ساختار اجتماعی را عقلایی و پیشرفته می‌کنند. این اتفاق در ایران رخ داده است. با این وجود این پرسش مطرح است که تکنولوژی که ایران در آن رشد خواهد کرد چه نوع تکنولوژی است؟ در شرایط کنونی تکنولوژی که در تمدن جهانی نقش محوری پیدا کرده و دارای اهمیت است هوش مصنوعی و تکنولوژی دیجیتال است، اما برخی در داخل کشور با این تکنولوژی مخالف هستند و اجازه نمی‌دهند در ایران تقویت شود. به دلیل همین مخالفت‌ها و سنگ اندازی هم وجود دارد که ما در جنگ اخیر دچار غافلگیری و شوک شدیم. ما در دانشگاه هم با این کارشنکی‌ها مواجه هستیم و به دلیل اهمیتی که موضوع دارد، در حالی که ما دنبال ارائه دروسی در زمینه هوش مصنوعی و تکنولوژی دیجیتال در دانشگاه تهران بودیم، برخی در این زمینه کارشنکی کردند و اجازه چنین کاری را ندادند. تکنولوژی دیجیتال باعث شده در شرایط کنونی ما با نوعی تکنولوژی عرفانی مواجه‌ایم و نه عرفان فلسفی، اما تکنولوژی دیجیتال وارد ساختار جهانی شده است و هر کشوری که سهم بیشتری در آن داشته باشد، سهم بیشتری از قدرت جهان را در اختیار خواهد داشت. نکته مهمی که شاید کمتر به آن اشاره شده این است که جنگی که اسرائیل علیه ایران به راه انداخت جنگ اسرائیل نیست و بلکه جنگ موساد است. در واقع این سازمان جاسوسی اسرائیل بود که جنگ راه‌دایت می‌کرد و نه ارتش اسرائیل.

◀ **این اتفاق به معنای این است که در آینده نیز سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی علیه هم وارد جنگ می‌شوند؟**

در اغلب موارد این اتفاق خواهد افتاد. موساد در ایران یک نیروی نفوذی ایجاد کرده بود که با استفاده از تکنولوژی علیه ایران فعالیت می‌کردند. یکی از پیامدهای تکنولوژی عرفانی این است که علوم انسانی و معرفت‌شناسی اوج خواهد گرفت. در ایران سیستم آموزشی و دانشگاهی عقب مانده است و به همین دلیل همه چیز به صورت تقلیلی آغاز می‌شود. به عنوان مثال تقلیل آموزش و پرورش و دانشگاه به علوم تجربی. در واقع در کشور ما که عقب مانده است علوم فنی و تجربی بر علوم انسانی غلبه پیدا کرده است. در چنین شرایطی به دلیل اینکه موشک‌های پیشرفته در اختیار داریم، اما راهبرد و استراتژی ندارید، چندان اثربخش نیست و غافلگیر شوکه می‌شوید. در چنین شرایطی است که فرمانده بزرگ نیروهای مسلح کشور در منزل خود ترور می‌شود. این اتفاق درباره دیگر فرماندهان ما نیز رخ داد. دلیل آن نیز این است که علوم انسانی باید این مسائل راهبردی را پیش‌بینی کند و نه علوم تجربی و فنی. من معتقدم هر کسی بیشتر به غرب فحش و ناسزا می‌گیو غرب‌گراتر است. دلیل آن این است که با کاری که می‌کند چهل بیشتری نسبت به غرب ایجاد می‌کند و اجازه نمی‌دهند ابعاد مختلف تمدن غرب مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. در چنین شرایطی است که در راهبردها با چالش مواجه می‌شویم.

ایرانیان مهربان، نوع دوست و به آب شبیه هستند، اما همین آب هنگامی که با هجوم مواجه می‌شود، وضعیت شبیهه برخورد دست باآب می‌شود که در چنین شرایطی آب مانند سنگ محکم و استوار می‌شود

سال ۸۸ که اتفاقات پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران رخ داد بنده عنوان کردم که قدرت در حال انتقال از غرب به شرق است و مادر مرز آن قرار گرفته‌ایم و به همین دلیل این شورش‌ها در کشور رخ داده است. این وضعیت امروز هم وجود دارد و مرزی که وجود دارد مانند نصف‌النهاری است که از اوکراین و فلسطین می‌گذرد. امروز که شرق در حال برخاستن است جنگ‌ها نیز اوج می‌گیرد. به نظر من گفت‌وگوی تمدن‌ها وجود ندارد و آنچه وجود دارد گفت‌وگوی فرهنگ‌هاست. دلیل آن نیز این است که تمدن‌ها تصلب دارند اما فرهنگ نرم است. به همین دلیل نیکی‌زا از آسیب‌هایی که امروز در جامعه ایران وجود دارد فرهنگ‌دگی است. فرهنگ باید در قالب جامعه سیالیت و ونهلیسم می‌شود که باعث غیرعقلانی شدن جامعه می‌شود. اتفاقاً جنگ فرهنگ را از یک ساختار غیرمتعین خارج می‌شود و آن را به یک ساختار متعین تبدیل می‌کند. در چنین شرایطی عقلانیت در جامعه اوج می‌گیرد و هنگامی که با دانش همراه می‌شود به تکنولوژی تبدیل می‌شود. به همین دلیل نیز پس از جنگ‌ها انقلاب‌های تکنولوژیک شکل می‌گیرد. این وضعیت به خصوص درباره جنگ‌های تمدنی شکل جدی‌تری دارد. آن چیزی که برای ایران رخ داده نیز جنگ تمدنی است و این وضعیت در اوکراین و فلسطین نیز وجود دارد. پس از جنگ تمدنی آن چیزی که به وجود می‌آید رشد صنعتی و تکنولوژی است.

◀ **در شرایط کنونی چنین نشانه‌هایی در جامعه ایران وجود ندارد و آنچه وجود دارد بیشتر چالش‌ها و بحران‌هاست. آیا در چنین شرایطی نیز معتقدید جنگ اخیر به رشد صنعتی و تکنولوژی در ایران منجر خواهد شد؟**

به دلیل اهمیتی که موضوع دارد، در حالی که ما دنبال ارائه دروسی در زمینه هوش مصنوعی و تکنولوژی دیجیتال در دانشگاه تهران بودیم، برخی در این زمینه کارشنکی کردند و اجازه چنین کاری را ندادند

پروانه سلحشوری:

قدرت جامعه مدنی یک برد بزرگ برای مردم بود

پروانه سلحشوری گفت: وقتی مردم چنین بلوغی از خود نشان دادند، چرا نباید به آنها احترام گذاشت؟ چرا وقتی مردم ارزش دارند، به جایگاه‌شان توجه نمی‌شود؟ چرا مردم در به اهمیت مسیرهایی که خود مردم انتخاب می‌کنند، بها داد؟ وی عنوان کرد: به نظر من، اولین قدم بازسازی اعتماد مردم است. این که مردم باور کنند شنیده می‌شوند، و این که حاکمیت هم واقعاً

به مردم اعتماد کند. پس گرفتن لایحه محدودکننده می‌تواند نشانه‌ای از همین بازسازی اعتماد باشد. جامعه مدنی پویایی ما و فعالیت رسانه‌ها و اصحاب دولت از جزئیات لایحه مذکور در فضای رسانه عمومی تواسسته‌اند اثرگذار باشند. سلحشوری تأکید کرد: قدرت جامعه مدنی ما یک برد بزرگ برای مردم بود. این عقب‌نشینی، نتیجه فشار افکار عمومی بود، نه تصمیم خود دولت. اگر کنشگران مدنی

روسی‌ها و مکانیسم‌ماشه

اسفندیار خدایی

کارشناس مسائل بین‌الملل

مطابق توافق برجام، ایران پذیرفت که محدودیت‌های هسته‌ای در غنی‌سازی اورانیوم را بپذیرد و با نظارت بازرسان آژانس بین‌المللی هسته‌ای همکاری کند. در مقابل، ۱+۵ پذیرفت که تمام شش قطعه‌نامه سازمان ملل علیه ایران، مطابق قطعه‌نامه ۲۲۳۱ لغو شوند و همچنین تحریم‌های آمریکا هم لغو و یا تعلیق بشوند. این وسط مکانیسم ماشه کجاست؟ مذاکره‌کنندگان اروپا و آمریکا استدلال کردند، اگر روزی ایران از انجام تعهداتش در برجام سرباز زد یعنی غنی‌سازی را بالا برد و بازرسان را اخراج کرد و همه چیز به هم خورد، تکلیف قطعه‌نامه‌ها و تحریم‌های سازمان ملل چه خواهد شد؟ اگر این قطعه‌نامه‌ها و تحریم‌ها لغو شدند، دیگر نمی‌توان آنها را برگرداند چراکه چین و روسیه ممکن است قطعه‌نامه جدید را ووت کنند و سرشان کلاه برود. این استدلال غیرمنطقی نبود چون اولاً چین و روسیه که بدون ما به ار با قطعه‌نامه‌های جدید موافقت نمی‌کنند و مثل تمام قطعه‌نامه‌های قبلی، با توجه به منافع خودشان، حتماً مطالباتی در روابط پیچیده با آمریکا و اروپا مطرح می‌کنند؛ ثانیاً مذاکرات بر قطعه‌نامه جدید ماه‌ها وقت می‌گیرد و در این فرصت ایران می‌تواند هسته‌ای بشود و غرب در برابر انجام شده قرار بگیرد. لذا ۱+۵ با ایران روی مکانیسم ماشه توافق کردند با این مضمون که اگر توافق برجام به هم خورد و ایران به قبل از برجام برگشت، با فعال سازی مکانیسم ماشه، تمام قطعه‌نامه‌های سازمان ملل هم بدون نیاز به رای‌گیری در شورای امنیت سازمان ملل به‌طور اتوماتیک، به روزگرا قبل از برجام برگردانده شود. این ماهیت مکانیسم ماشه است. این‌طور هم نیست که برخی ادعا می‌کنند سر مذاکره‌کنندگان ایران کلاه زدند، البته‌ای‌کاش این مکانیسم وجود نداشت. در واقع موقتئ سمران کلاه رفت که از قطعه‌نامه‌های سازمان ملل استقبال می‌کردیم و رئیس‌جمهور وقت کشورمان آنها را کاغذپاره خواند و اگر کسی به سخنان او اعتراض می‌کرد، برچسب مزدور و منافق و غرب‌زده می‌خورد. طول مدت توافق برجام، ده‌ساله بود. حالا کثیر اسمال یعنی همراه ۱۴۰۴ آخرین مهلت استفاده از اسنپ‌یک یا مکانیسم ماشه است. آمریکایی‌که امروز در برجام نیست، حالا اگر سه کشور اروپایی تا همراه مکانیسم ماشه را فعال نکنند، دیگر بعد از این تاریخ نمی‌توانند آن را فعال کنند و تمام آن شش قطعه‌نامه ننگین برای همیشه از بین می‌روند. اما آلمان، انگلیس و فرانسه حتماً مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد مگر آنکه توافق محکم و مطمئنی با جمهوری اسلامی امضاء بشود. باتوجه به شرایطی که حمله اسرائیل و آمریکا ایجاد کرده، یعنی آشی که نتانیاهو و ترامپ برای ما پخته‌اند، حصول توافق در این فرصت کوتاه، خیلی سخت به نظر می‌رسد. بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ این موضوع را می‌دانستند و به همین دلیل برای حمله به ایران عجله داشتند تا با این حمله رابطه کشورمان با آنزاس خراب بشود و با اخراج بازرسان آژانس زمینه برای فعال شدن مکانیسم ماشه فراهم بشود. چرا؟ چون خسارت فعال شدن مکانیسم ماشه خیلی بیشتر از جنگ ۱۲ روزه اخیر است. بلکه می‌دانیم خسارت تحریم‌ها بر اقتصاد کشورمان حتی از خسارت‌های جنگ تحمیلی هشت ساله با عراق هم بیشتر است. پس این جنگ ۱۲ روزه می‌تواند یک نقشه یادام برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه باشد. اصلاً نتانیاهو سیاستمدار قهاری است که قدر فرصت‌ها را می‌داند و نشان داده است که می‌داند چطور تله بگذارد و حریف را به دام بیندازد و حتی تهدید را به فرصت تبدیل کند. در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها و قرار گرفتن زیر بند هفتم منشور سازمان ملل، آیا چین و روسیه می‌توانند به داد ما مان برسند؟ خیر، بکن و مسکو به همان دلالی که به این قطعه‌نامه‌ها رای موافق داده‌اند، در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه، مقابل تحریم‌ها یا حملات نظامی نمی‌ایستند. چین و روسیه به خاطر منافع خود، مقابل آمریکا مقاومت می‌کنند اما به خاطر منافع ایران خود را با آمریکا و غرب درگیر نمی‌کنند و منافع خود را به خطر نمی‌اندازند. چین هرگز هزاران میلیارد دلار تجارت با آمریکا و متحدان آمریکا افرقانی چند میلیارد دلار تجارت با ایران نخواهد کرد؛ این‌ها به توجه به این که ایران به خاطر تقابل ایدئولوژیک دائم با غرب، باید جانب چین را بگیرد و انتخاب دیگری ندارد. حتی عضویت ایران در بریکس و سازمان شانگهای هم بی‌معنی می‌شود. چه دلیلی دارد کشوری که به عنوان تهدید امنیتی تحت بند هفتم منشور سازمان ملل قرار دارد عضو این سازمان‌ها باشد.

امروز نباید باب دیپلماسی بسته شود. منافع اروپا در فعال‌سازی مکانیسم ماشه نیست، چرا که اروپا، لحاظ روانی، اقتصادی و سیاسی‌ترگیر جنگ با روسیه در اوکراین است. ناام شدن خلیج فارس و گران شدن نفت و گاز به منزله صدها میلیارد دلار پول باآورده برای روسیه و پاس گل برای یوتین و شکست اروپا خواهد بود. به علاوه گشودن یک جبهه دیگر علیه ایران باعث می‌شود که جنگ با روسیه از کانون تمرکز اروپا خارج شود. لذا برنده فعال‌سازی مکانیسم ماشه، علاوه بر اسرائیل، روسیه خواهد بود و عجیب نیست اگر مسکو به خاطر منافع خود را فعال سازی مکانیسم ماشه استقبال کند. امروز به جای آنکه مکانیسم ماشه را کاغذپاره به‌نامیم و به استقبال فتن زیر بند هفتم منشور سازمان ملل برویم، آیا بهتر نیست در سیاست خارجی کشورمان بازنگری کنیم و این تهدید را تبدیل به فرصت کنیم؟